

فقر و نابرابری ۲۵ سال پس از انقلاب

جواد صالحی اصفهانی* - بخش نخست

چکیده

با اینکه نزدیک به سه دهه از عمر حکومت انقلابی ایران می‌گذرد، فقر و نابرابری همچنان در ایران موضوع اصلی منازعات سیاسی به شمار می‌رود. نارضایتی‌های اقتصادی که منجر به نتایج غیرمنتظره انتخابات ریاست جمهوری سال (۱۳۸۴) ۲۰۰۵ شد، غالباً به گسترش فقر و نابرابری نسبت داده می‌شوند. با استفاده از داده‌های حاصل از پیمایش خانوار، روند تغییرات فقر و نابرابری در طول سه دهه گذشته بررسی و نشان داده می‌شود که این عقیده ریشه در واقعیت ندارد. شواهد نشان می‌دهند که فقر در طول سالیان اخیر به طور قابل توجهی کاهش یافته و در مقایسه با استانداردهای جهانی و شرایط پیش از انقلاب در سطح پایین‌تری قرار دارد. درست پس از پیروزی انقلاب، نابرابری به طور معناداری کاهش یافت، ولی در طول ۱۵ سال گذشته تقریباً ثابت مانده است. قابل توجه آن که در طول ۵ سال منتهی به انتخابات سال ۸۴ میزان فقر در جامعه به شدت پایین آمد و همین‌طور کاهش محسوسی در نابرابری موقوف پیوست، افزایش رفاه طبقه فقیر در طول این دوره در بهبود دستیابی به خدمات اساسی همچون برق و آب سالم و همچنین لوازم خانگی، مشهود است. شکاف بزرگ میان شواهد ارائه شده که نشان از بهبود سطح رفاه فقیران داشته، در مقایسه با اظهار نظرهای رایج حاکی از افزایش فقر و نابرابری، پرسش‌های مهمی درباره اقتصاد سیاسی بازتوزیع، در ایران مطرح می‌کند. به نظر می‌رسد در اقتصادهای توزیعی مثل ایران کسب ثروت بیش از آن که ناشی از مولد بودن خود فرد باشد، نتیجه نزدیکی به قدرت سیاسی است و از همین رو بیش از آن که نشانه‌هایی عینی از فقر و نابرابری وجود داشته باشد، احساس بی‌عدالتی و نارضایتی عمومی در جامعه متبلور می‌شود.

مقدمه

نتایج غیرمنتظره انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۵ به نگرانی انتخاب‌کنندگان از نابرابری اقتصادی و فقر نسبت داده شده است.^(۱) به نظر می‌رسد تبلیغات انتخاباتی با مضمون توزیع عادلانه‌تر درآمد نفت -

«آوردن پول نفت بر سر سفره مردم» - بیش از شعارهای دموکراسی خواهانه رقبای شناخته شده‌تر اصلاح طلب او، برای انتخاب‌کنندگان جذابیت داشته است. رئیس جمهوری از هنگام انتخاب نیز به سرعت در جهت تحکیم پایگاه سیاسی خود در جنبش اجتماعی وسیع‌تری که از سوی ایشان «موج دوم» انقلاب اسلامی خوانده شده، حرکت نموده است. بسیاری از ناظران، این نتایج

را به «ناکامی ناشی از شکاف درآمدی در حال گسترش» و فقر گسترده‌ای نسبت داده‌اند که «ایران را به سمت سیاست‌های افراط‌گرایانه سوق می‌دهد».^(۲) شوک ناشی از نتایج انتخابات، دیدگاه مرسوم درباره ریشه‌های نارضایتی سیاسی در ایران را به ظاهر از فقدان دموکراسی به فقر و نابرابری تغییر داده است. این درست است که برخی جناح‌های سیاسی از فقر و نابرابری تغذیه می‌کنند، اما این فرض در مورد نتایج انتخابات اخیر صدق نمی‌کند؛ نه شاهدهی به نفع این ادعا وجود دارد که فقر در سال‌های اخیر افزایش یافته و انقلاب حامیان سرسخت خود یعنی فقیران را از دست داده و نه شاهدهی به نفع افزایش نابرابری در دست است.

باور به افزایش فقر و نابرابری، پرسش‌های مهمی درباره تأثیر انقلاب اسلامی بر وضعیت طبقه فقیر که اساس اجتماعی انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دادند، مطرح می‌کند. آیت‌الله خمینی رهبر انقلاب، مرتباً اعلام می‌کرد که انقلاب متعلق به مستضعفان است و باز توزیع وسیع ثروت و درآمد را به آنها وعده می‌داد (به‌داده ۲۰۰۰ و سعید ۲۰۰۱).^(۳) ولی با پایان گرفتن جنگ ایران و عراق و با اصلاحات اقتصادی و سیاسی صورت گرفته در دولت‌های رفسنجانی (۷۶-۱۳۶۸) و خاتمی (۸۴-۱۳۷۶) که دستور کار سیاست توسعه اجتماعی را به تدریج از توزیع به توسعه تغییر دادند، آن سیاست‌ها ظاهراً از رمق افتادند. برخی گفته‌اند که بازگشت به شعارهای سال‌های آغازین انقلاب در انتخابات اخیر تا حدودی نشانه رد برنامه‌های اصلاحات اقتصادی در ۱۶ سال گذشته یا رد تأکید بر اصلاحات به‌طور کلی به جای کاهش فقر است. آیا این عقیده به معنی این است که انقلاب نتوانسته به وعده‌های خود به طبقه فقیر عمل کند؟ و آیا به این معنی است که نابرابری در نتیجه رشد اقتصادی افزایش یافته است؟ این مقاله بر آن است تا با استفاده از داده‌های پیمایشی وسیع، تغییرات فقر و نابرابری از دهه ۱۹۷۰ تا کنون را بررسی کند.

این یافته‌ها دیدگاه رایج را حاکی از این که فقر و نابرابری علت ریشه‌ای نارضایتی اقتصادی در ایران امروز یا نتایج انتخابات اخیر است، زیر سؤال می‌برند. شواهد نشان می‌دهند که فقر در مقایسه با سال‌های آخر پیش از انقلاب به‌طور قابل توجهی کاهش یافته و

مهم آن که بخش اعظم این کاهش در ۱۵ سال اخیر رخ داده است، یعنی در همان سال‌هایی که اصلاحات در جریان بوده است. میزان فقر (Poverty Rate) (به معنای "نسبت افراد دارای کمتر از ۲ دلار درآمد در روز") در چند سال گذشته تکرر کمی بوده، که با توجه به استانداردهای

به نظر می‌رسد تبلیغات انتخاباتی با مضمون توزیع عادلانه‌تر درآمد نفت - «آوردن پول نفت بر سر سفره مردم» - بیش از شعارهای دموکراسی خواهانه رقبای شناخته شده‌تر اصلاح طلب او، برای انتخاب‌کنندگان جذابیت داشته است

کشورهای در حال توسعه کاملاً پایین و نیز یک هشتم این میزان، در پیش از انقلاب است. نابرابری بلافاصله پس از انقلاب کاهش یافت، اما در طول دو دهه گذشته در سطح ثابتی باقی ماند. جالب آن که سیاست‌های اقتصادی دهه ۱۹۸۰ در محافظت از فقیران در برابر صدمات ناشی از جنگ و سقوط درآمد نفتی ناکام بود. وضعیت فقر و نابرابری هر دو در دهه ۱۹۸۰ وخیم‌تر شد. اما شاید بیشترین بهبود در کیفیت زندگی فقیران در دستیابی بیشتر آنها به خدمات پایه نظیر برق و آب سالم بوده باشد. بهبودهای مزبور در رفاه متناظر با بهبودهایی است که در نتیجه اقدامات انجام شده در زمینه‌های سلامت،، باروری و آموزش صورت گرفته و در کارهای دیگران به خوبی نشان داده شده است. (عباسی شاورزی و مک دونالد ۲۰۰۰؛ هودفر و اسدپور ۲۰۰۰؛ صالحی اصفهانی ۲۰۰۵)

تغییر اولویت‌ها و سیاست‌ها در طول دو دهه و نیم حکومت اسلامی باعث شده است که توضیح علت بهبود وضعیت طبقه فقیر، برای محققان و نیز رأی دهندگان مشکل باشد. انقلاب اسلامی در این بهبود بی گمان نقش داشته است. سرنگونی رژیم شاهنشاهی در سال ۱۳۷۵ (۱۹۷۹) به خوبی توانست روابط اجتماعی و اقتصادی موجود را به هم بریزد. مصادره و ملی سازی به نفع طبقه فقیر چنان حجم گسترده‌ای داشت که می توان تحولات سال ۱۹۷۹ را یک انقلاب اجتماعی نامید.^(۱) سیاست‌های حمایت از طبقه فقیر مانند برق رسانی به روستاها و سهمیه بندی طیف وسیعی از کالاها و مصرفی نیز در دهه اول انقلاب انجام شد. مساعدت مستقیم به فقیران از طریق شبکه‌ای از موسسات خیریه نیمه دولتی که بزرگترین آنها کمیته امداد می باشد، نیز روی کاهش فقر تأثیر داشته است. (اصفهانی، ۲۰۰۵) شاید امدادترین تأثیر انقلاب، سوق دادن قرارداد اجتماعی ایرانی به سمت نوعی قرارداد اجتماعی خاورمیانه‌ای خاص موسوم به «قرارداد اجتماعی مداخله گرا-توزیعی» بود. (یوسف ۲۰۰۴، بانک جهانی ۲۰۰۴) اگرچه وضعیت فقر و توزیع درآمد بهبود پیدا کرد، (بهداد، ۱۹۸۹) اما شواهد اندکی وجود دارد که نشان دهد در دهه اول انقلاب وضعیت فقر به طور گسترده‌ای بهبود یافته باشد. (نوشیروانی و کلاوسن ۱۹۹۴)

اصلاحات اقتصادی صورت گرفته پس از جنگ، گرچه با برخی از سیاست‌های توزیعی سال‌های نخست انقلاب تفاوت داشتند و مشخصاً به سهمیه بندی کالاها و مصرفی خاتمه دادند، اما نتوانستند سطح قابل توجه حمایت اجتماعی را که از طریق یارانه‌ها و مداخله در بازار کار ارائه می شد، کاهش دهند. اصلاحات اقتصادی در کل از سرمایه گذاری بخش خصوصی حمایت کردند، اما از خصوصی سازی گسترده اقتصاد ایران ناکام ماندند و بخصوص وضعیت دستگاه‌های نیمه دولتی ارائه دهنده مساعدت‌های اجتماعی برای طبقه فقیر را تغییر دادند. (اصفهانی، ۲۰۰۵) شاید موثرترین برنامه ضد فقر دولت رفسنجانی،

برنامه وسیع سلامت و تنظیم خانواده روستاییان بود که از تأیید موسسات بین المللی هم برخوردار شد. (هودفر و اسدپور، ۲۰۰۰) بالا رفتن قیمت نفت نیز نقشی کلیدی در کاهش فقر به خصوص از سال ۱۹۹۹ داشت. در این سال در نتیجه افزایش قیمت نفت، اقتصاد ایران از رشدی

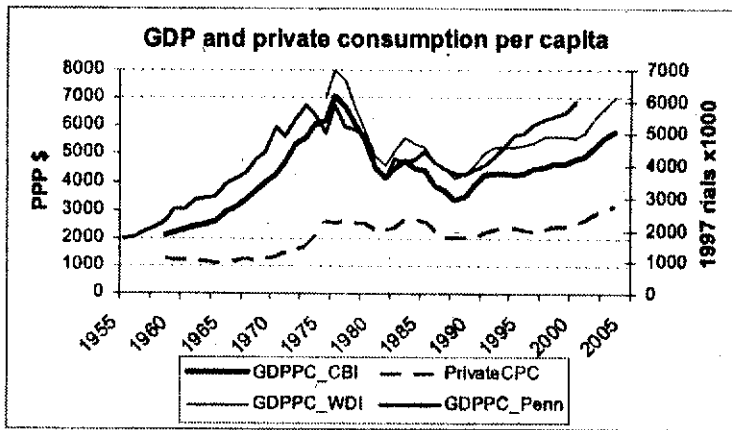
شواهد نشان می دهند که فقر در مقایسه با سال های آخر پیش از انقلاب به طور قابل توجهی کاهش یافته و مهم آن که بخش اعظم این کاهش در ۱۵ سال اخیر رخ داده است، یعنی در همان سال هایی که اصلاحات در جریان بوده است



در حدود ۵ درصد در سال برخوردار شد. رشد اقتصادی ناشی از درآمد نفت در سال های پس از انقلاب به نفع طبقه فقیر بوده است، یعنی بسیاری راز فقر رهاییده و حتی سهم درآمدی آنها را افزایش داده است.^(۲)

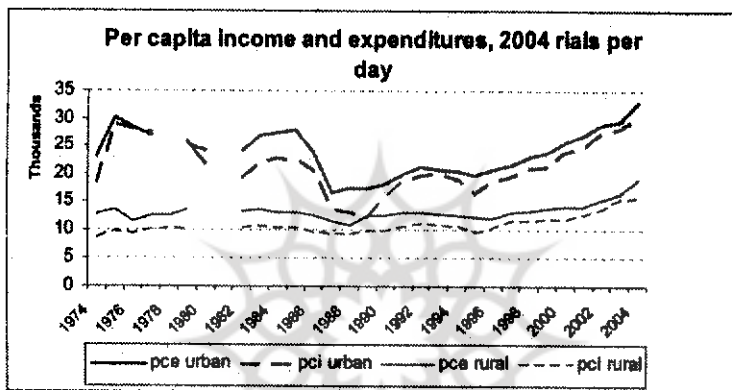
در این مطالعه از داده‌های حاصل از پیمایش وسیع هزینه‌های افراد و خانوارها در طول یک دوره ۳۰ ساله استفاده شده است که از پیش از انقلاب ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۰۴ را در بر می گیرد. مقالات و منابع کمی درباره فقر و توزیع درآمد در ایران به انگلیسی موجود است، اما هیچ یک ۱۰ سال پایانی را پوشش نمی دهند. توزیع درآمد در دهه ۱۹۷۰ (مهران ۱۹۷۵، پسران ۱۹۷۶ و نیز ۱۹۸۰، بهداد ۱۹۸۹، نوشیروانی و کلاوسن ۱۹۹۴) تحلیل شده است. تغییرات فقر از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۳ هم تحلیل شده (اسدزاده و پاول ۲۰۰۴) ولی بر اساس اطلاعات

موجود هیچ مطالعه‌ای درباره گستره فقر پیش از انقلاب انجام نشده است. مقالاتی به فارسی درباره فقر و نابرابری وجود دارند، اما از آن جا که دارای روش‌شناسی‌های متفاوتی بوده و به نتایج بسیار متفاوتی رسیده‌اند، تصویر یکدستی از دوره پس از انقلاب به دست نمی دهند. دولت که داده‌های بسیاری - از جمله داده‌های



(تصویر ۱)

سرانه تولید ناخالص ملی
بر اساس منابع مختلف در
سال‌های بین ۱۹۵۵-۲۰۰۵



(تصویر ۲)

سرانه هزینه روزانه واقعی
متوسط در سال‌های ۱۹۷۴-۲۰۰۴

انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) یک دوره بیست ساله افزایش استانداردهای زندگی را از بین برد و از همین رو افول اقتصادی پس از انقلاب همچون بلایی غیرمنتظره جلوه کرد. در دوره بین ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۷ رشد سرانه تولید ناخالص ملی برابر ۶/۶ درصد در سال بود که در نهایت منجر به سه برابر شدن آن فقط در طول یک نسل شد.^(۶) اثرپذیری اقتصاد ایران از آشوب اولیه پس از انقلاب، جنگ ۸ ساله ایران و عراق و سقوط قیمت نفت در ۱۹۸۶، سبب شد که در ۱۹۸۸ سرانه تولید ناخالص ملی به نصف این رقم در سال ۱۹۷۷ برسد. ولی ۱۵ سال بعد، رشد اقتصادی، درآمدها را به اوج پیش از انقلاب بازگرداند. تصاویر ۱ و ۲ نشان دهنده صعود و سقوط درآمدها از ۱۹۵۵ تا ۲۰۰۴ می باشد.^(۷) همان گونه که این تصاویر نشان می دهند، افول اقتصادی حداقل در دو مرحله رخ داده و هر دو مرحله نیز اندکی پس از اتفاقاتی هر چند متفاوت بوده اند. نخستین افول درست در پی انقلاب ۱۹۷۹ دیده می شود. این افول با اعتصابات کارگری در ۱۹۷۸ شروع شده و تا سال‌ها پس از آن با ملی کردن بانک‌ها و صنایع بزرگ و نیز گسست‌هایی در روابط کارگر و کارفرما ادامه می یابد. (بیات ۱۹۸۷، آموزگار ۱۹۹۳، بهداد ۱۹۸۹) یک سال و نیم پس از انقلاب، عراق به ایران تجاوز نمود؛ تجاوزهایی که ۸ سال به طول انجامید، این تجاوز اقتصاد جنوب غربی ایران را نابود نمود، سبب آسیب‌های شدید به زیرساخت‌های تولیدی در سایر مناطق کشور شد و تولید و صدور نفت ایران را نیز مختل نمود. سرانجام، سقوط قیمت نفت در سال ۱۹۸۶ قیمت صادرات اصلی ایران را به یک سوم قبل کاهش داد و به جهش نفتی‌ای که بیش از یک دهه قبل در ۱۹۷۳ آغاز شده بود، پایان داد.

استفاده شده در این مطالعه - را جمع آوری و منتشر می کند، خودش فقر را به صورت نظام دار (سیستماتیک) سنجش و ردیابی نکرده و تنها اخیراً شروع به اعلام خط فقر رسمی کرده است. در نتیجه، ارقام متفاوتی به عنوان میزان فقر در داخل و خارج ایران ذکر می شوند و این وضع مانع از درگرفتن بحثی مفید در این باره در ایران بوده است. طرح این مقاله به صورت ذیل است. گفتار بعدی روند تغییرات درآمد سرانه ملی و درآمدها و هزینه‌های فردی را مورد بحث قرار می دهد. در این گفتار، داده‌های اقتصاد کلان موجود و نتایج حاصل از پیمایش خانه به خانه، بررسی و نشان داده شده که رفاه اقتصادی به طور متوسط به سطح سال‌های پیش از انقلاب رسیده است. این یافته‌ها زمینه را برای مقایسه فقر و نابرابری در گفتارهای بعدی فراهم می کنند. در گفتار سوم، مقایسه بین‌المللی وضعیت فقر و نابرابری ارائه و نشان داده می شود که موقعیت ایران نسبت به هم‌تایانش کاملاً مطلوب می باشد. پایین بودن میزان‌های فقر و متوسط بودن میزان‌های نابرابری در ایران، ارتباط مستقیم میان نتایج انتخابات اخیر و بی‌عدالتی اقتصادی را (آن گونه که در مورد آمریکای لاتین مطرح می شود) زیر سؤال می برد. گفتارهای چهارم و پنجم به ترتیب روندهای فقر و نابرابری در ایران را بررسی می کنند. گفتار ششم مقدار دستیابی به خدمات اساسی نظیر آب سالم، برق و لوازم خانگی را ارائه می کند. گفتار هفتم درباره نتایج مطالعه از منظر اهمیت موضوع توزیع درآمد در صحنه سیاسی ایران بحث می کند.

۲- فراز و فرود استاندارد زندگی در ایران

مطابق همه آمارها بیشترین سرانه تولید ناخالص ملی در دوران پیش از انقلاب، مربوط به سال ۱۹۷۶ و برابر با ۷۹۷۶ دلار بین‌المللی بود (WDI Series, 2000 Prices)^(۸) در پایان جنگ یعنی در سال ۱۹۸۸ این رقم به ۴۱۵۶ دلار سقوط نمود که ۴۸٪ کمتر از ۱۹۷۶ و بازگشتی به حدود بیست سال پیش از آن بود. در سال ۲۰۰۴، به دنبال رشد اقتصادی آغاز شده از پایان جنگ، سرانه تولید ناخالص ملی بار دیگر به ۶۹۸۳ دلار یعنی مقدار سال ۱۹۷۵ رسید.

از دیدگاه اقتصاد ملی این مقدار افول اقتصادی، نفس گیر است، بخصوص اگر رشد سریع اقتصادی پیش از آن را نیز در نظر بگیریم (تصویر ۱). پسرقتی چنین عظیم در دوره‌ای به این کوتاهی در تاریخ جهان مدرن بی نظیر است. ولی از دیدگاه مصرف شخصی (تصویر ۱) یا درآمدها و هزینه‌های خانوار (تصویر ۲) صعود و سقوط استانداردهای زندگی بسیار کمتر از این به چشم می‌آمده است.^(۹) بر اساس داده‌های درآمد ملی، رشد مصرف شخصی در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۷، ۴/۵٪ بوده که حدود ۲ درصد کمتر از رشد سرانه تولید ناخالص ملی و در ۱۹۸۸ فقط ۲۳٪ کمتر از اوج آن در ۱۹۷۷ بوده است. رشد مصرف سرانه در سال‌های بین ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۴، ۶/۴٪ یعنی در حد رشد سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۷ است. در سال ۲۰۰۴ مصرف سرانه از سطح آن در دهه ۱۹۷۰ فراتر می‌رود، سرانه تولید ناخالص ملی به اوج سال ۱۹۷۷ نزدیک می‌شود و فقر کمتر از سال ۱۹۷۷ است.

با توجه به شواهد ارائه شده در این گفتار، سه نکته قابل توجه می‌باشد؛ نخست این که کمتر شدن میزان فقر در سال ۲۰۰۴ از سال ۱۹۷۵ بدون افزایش سرانه تولید ناخالص ملی صورت گرفته که اگر نشانه کاهش نابرابری نباشد، لااقل گواهی بر بهبود موقعیت فقیران در طول ۳۰ سال گذشته می‌باشد. دوم این که با وجود بهبود سرانه تولید ناخالص ملی و افزایش مصرف شخصی در سال‌های اخیر، خاطره روزهای سخت دهه ۱۹۸۰ هنوز بسیاری از ایرانیان را آزار می‌دهد و سبب می‌شود در مقایسه استانداردهای زندگی پس از انقلاب با دوران پیش از آن بزرگ‌نمایی کنند. به این ترتیب پیش از انقلاب دوران محبوب طبقه متوسط ایران نمایانده و در گزارش‌های روزنامه‌نگاران دیدارکننده از ایران نیز همین دیدگاه منعکس می‌شود.^(۱۰)

سومین نکته این که مطابق تصویر ۲ اقتصاد روستایی به شدت از تغییرات اقتصادی سایر نقاط کشور در امان بوده است.^(۱۱) اقتصاد شهری نوسان‌های زیادی را تجربه کرده است، اما یک خانوار متوسط روستایی نه بهبود دهه ۱۹۷۰ را مستقیماً تجربه کرده است و نه افول دهه ۸۰ را. در عوض اقتصاد روستایی در طول یک نسل (۱۹۷۴ تا ۲۰۰۰) تماماً دچار رکودی بوده که البته هرگز شدید نبوده است. بهبود مصرف روستاییان از اواسط دهه ۱۹۹۰ به آهستگی شروع شد و در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ ثبات گرفت. در این دوره هم‌زمان با اجرای برنامه سوم توسعه، مصرف روستایی در حد مصرف شهری یعنی ۶/۷٪ در سال رشد داشته است. با وجود توازن رشد در سال‌های اخیر، در دوره طولانی تری یعنی از پایان جنگ تا کنون، شکاف بین مناطق روستایی و شهری گسترش یافته است. به نظر می‌رسد این شکاف در دوره‌های افول اقتصادی، مثلاً اواسط دهه ۱۹۸۰، کاهش و در دوره‌های رونق اقتصادی، مثلاً پس از پایان جنگ، افزایش می‌یابد. نسبت مصرف روستایی به شهری در سال ۱۹۷۵ یعنی پیرونق‌ترین سال، به کمترین مقدار خود یعنی ۴۵/۰٪ رسید و در سال ۱۹۸۹ هم که بیشترین مقدار آن در سی سال گذشته بود، همچنان اندک بود. این نسبت در سال‌های اخیر نیز شاهد نوسان‌هایی در حدود ۵۰/۰٪ بوده است. گسترش شکاف

روستا و شهر در سال‌های رشد اقتصادی ممکن است به سبب مهاجرت کارگران روستایی تواناتر به شهرها و ماندن خانواده‌های کم‌درآمد در روستا صورت گیرد. از آنجا که شکاف شهری - روستایی یکی از مهم‌ترین منابع نابرابری است، تازمانی که درآمد روستاییان افزایش نیابد، کاهش عمومی نابرابری در کشور محقق نمی‌شود.

* دانشگاه صنعتی ویرجینیا، گروه اقتصاد، اوت ۲۰۰۶ (مرداد و شهریور ۱۳۸۵)

پی‌نوشت‌ها:

1- Michae Ignatieff, "Iranian Lessons", New York Times, July 17, 2005; Abbas Milani, "Regime Change", Wall Street Journal, October 31, 2005.

2- Afshin Molavi, New York Times, November 2, 2005.

۳- در هنگام تشکیل حکومت اسلامی در ایران، دولت به طور روشن در قانون اساسی به طبقه فقیر قول داده که از آن حمایت می‌کند. اصل ۲۹ قانون اساسی موارد این حمایت را مشخص ساخته از جمله تأمین اجتماعی در هنگام بازنشستگی، بیکاری، کهنولت سن، نانوانی و...

۴- برای توصیفی از وضعیت ملی‌سازی و سیاست‌های مصادره‌ای در سال‌های آغازین انقلاب به بهداد (۱۹۸۹) و نعمانی و بهداد (۲۰۰۶) مراجعه نمایید.

۵- میزان فقرهای منتشر شده در منابع رسمی انگلیسی بسیار گسترده بوده و از ۷/۲٪ توسط بانک جهانی (۲۰۰۵) تا ۲۰٪ سازمان ملل (۲۰۰۳) و ۴۰٪ آژانس جاسوسی مرکزی (CIA ۲۰۰۵) متغیر است.

۶- در اینجا از سال میلادی برای اشاره به سال ایرانی استفاده شده که از ۲۱ مارس همان سال تا ۲۰ مارس سال بعد ادامه دارد.

۷- در تصویر ۱ از سه منبع استفاده شده؛ جداول جهانی پن (Penn)، شاخص‌های توسعه جهانی (WDI) بانک جهانی (۲۰۰۵) و بانک مرکزی ایران (CBI). دو سری اول داده‌های با توجه به اختلاف هزینه زندگی میان ایالات متحده و ایران بر اساس توازن قدرت خرید (PPP) تصحیح شده‌اند. سرانه تولید ناخالص ملی و مصرف سرانه از آمارهای بانک مرکزی استخراج شده و به ریال می‌باشند. تصویر ۲ نیز بر اساس داده‌های حاصل از پیمایش به دست آمده است.

۸- برای مقایسه سطوح واقعی برای سال ۱۹۷۶ از سری‌های مختلف می‌توانیم تمام آنها را بر اساس PPP بانک جهانی در سال ۲۰۰۵ به نرخ‌های سال ۲۰۰۰ تبدیل کنیم که بر این اساس گزارش پن ۶۳۱۳ دلار، WDI برابر ۷۹۷۶ دلار و بانک مرکزی ۸۰۷۲ دلار خواهد بود.

۹- داده‌های مربوط به مصرف و درآمد خانوار از پیمایش‌های درآمد و مصرف خانوار (HEIS) ارائه شده توسط مرکز آمار ایران برداشته شده است. از آنجا که در گزارش‌های آنها اطلاعات مناطق روستایی و شهری جدا بوده، از این رو من متوسط کشوری را به حساب نیاورده‌ام.

۱۰- افشین مولوی می‌گوید: «در حقیقت، ایرانیان هم اکنون یک چهارم درآمدی را دارند که پیش از انقلاب داشته‌اند»، واشینگتن پست، ۸ جولای ۲۰۰۳. این در حالی است که سازگارا در سال ۲۰۰۶ این میزان را برابر یک دوم قبل به شمار آورده و مولوی در سال ۲۰۰۴ می‌گوید: «درآمد سرانه هم اکنون یک سوم پیش از انقلاب می‌باشد».

۱۱- به همین دلیل هر جا که ممکن بوده در این مقاله میزان مصرف برای مناطق روستایی و شهری جداگانه آورده شده است.